

فقر تاریخیگری

شعار «رضا شاه، روح شاد»! شاخص برجسته ای از فقر تاریخیگری مزمین بخشی از مخالفین نظام است که بدون برخورداری از کمترین سواد سیاسی و مطالعاتی برای پادشاه یکی از تیره ترین و جنایت آمیزترین تاریخ معاصر ایران چنین مدح نزدیک به طنزی را کَل می کشند!

علی رغم این نمی توان کارنامه رضا شاه را کاملاً سیاه تلقی کرد و نباید از یاد برد این رضاشاه بود که با اتکای بر اقتدار نظامی و حمایت انگلستان توانست فضای پر آشوب و پر التهاب ایران در فردای جنگ جهانی اول را با ضرب شست خود برخورداری از امنیت کرده و تمامیت ارضی ایران را به قوت ضمانت نماید.

اما طنز داستان آنجاست که سراینده های «شعار رضا شاه، روح شاد» بنوعی جمهوری اسلامی را ترغیب به رضا شاه گری می کنند و غافل از آنند که «امنیت رضاخانی» محصول سنگین ترین سرکوب ملی و کشتار و قلع و قمع و جو امنیتی خوفناکی بود که در دوره وی و با مدیریت وی یکی از تاریک ترین دوران سرکوب و جنایت را در ایران رقم زد.

اگر شعار دهندگان مزبور با این شعار می خواهند جمهوری اسلامی را مذمت کنند و بگویند «از رضا شاه یاد بگیر» این امر بمعنای صدور مجوز برای نظام است تا برای تحصیل مراد شعار دهندگان نظام نیز «رضاشاه گری» کند و قطعاً در آن صورت اولین اقدام حکومت باید سرکوب خونین همین شعار دهندگان جهت بازتولید مناسبات رضاخانی در ایران باشد!

شوریدگان از سوئی جمهوری اسلامی را متهم به سرکوبگری و خفقان می کنند و همزمان پیشنهادشان برای مِلکداری تاسی به مدل سرکوب ماکسیمی رضاخانی است!

ظاهراً جمهوری اسلامی تا اطلاع ثانوی به برخورداری از فکاهی ترین اپوزیسیون در طول تاریخ تحولات سیاسی ایران محکوم شده است!